

چه کسی اولین بار از ملیشدن نفت تسخن گفت؟

۲۷ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۵۰

دکتر مصدق اولین فرد در ارائه‌ی پیشنهاد ملی کردن نفت ایران نبود. ایشان حتی سابقه‌ی مخالفت با ملی کردن نفت ایران در سال ۱۳۲۳ و عدم مخالفت با قرارداد گس-گلشائیان را، که موجب ادامه‌ی قرارداد ۱۹۳۳ می‌شد، در کارنامه‌ی خود دارد. دکتر مصدق سوار موجی شد که توسط دیگران راه افتاده بود...

«یک پیرمرد نورانی به خواب من آمد و به من گفت نفت را ملی کن» [۱] این یک خط می‌توانست سرخط اخبار ایران در سال ۱۳۳۰ باشد. این دو جمله، پاسخ مصدق بود به این پرسش که چه کسی در کمیسیون نفت مجلس شانزدهم، اول بار گفت نفت ملی شود؟

بیاید این دو جمله‌ی مصدق را با اسناد باقی‌مانده از آن دوران محک زنیم. ابتدا از کمیسیون نفت شروع می‌کنیم. حسین مکی در کتاب سیاه‌می‌نویسد: حائری‌زاده در جلسه‌ی چهارم کمیسیون نفت در سوم مهر ۱۳۲۹ گفت: اگر راه حکمیت و راه‌های دیگر نداشته باشیم، باید منابع نفت خودمان را ملی کنیم. [۲]

در تصدیق بیان آقای مک‌کیشهد آیت نیز در کتاب چهره‌ی حقیقی مصدق السلطنه معتقد بود اولین کسی که در کمیسیون نفت، پیشنهاد ملی شدن نفت را داد، حائری‌زاده بود، نه مصدق. [۳]

می‌توان گفت این دو با دکتر مصدق مخالف بودند و استناد به سخنان آن‌ها مصداق یک‌طرفه به قاضی رفتن است. با قبول این مسئله، باید در میان نوشته‌های هواداران دکتر مصدق به دنبال اولین نفر بگردیم و چه کسی بهتر از خود مصدق؟ نکته‌ای که جافتاده این است که دکتر مصدق با امضای ورقه‌ی حاوی این پیشنهاد، در آن جلسه مخالفت می‌کند.

دکتر مصدق در خاطراتش فکر ملی کردن نفت را به دکتر حسین فاطمی نسبت می‌دهد. به این شرح که در سال ۱۳۲۸ جلسه‌ای در خانه‌ی حاج محمود نریمان با حضور آیت‌الله کاشانی و اعضای جبهه‌ی ملی تشکیل می‌شود و در آن جلسه، دکتر فاطمی ملی کردن نفت را پیشنهاد می‌دهد و اعضا پیشنهاد وی را قبول می‌کنند.

معلوم می‌شود که در سال ۱۳۲۹، دو نفر در طیف جبهه‌ی ملی هستند که صفت اولین نفر را یدک می‌کشند: حائری‌زاده و دکتر

دکتر مصدق در خاطراتش فکر ملی کردن نفت را به دکتر حسین فاطمی نسبت می‌دهد. [۴] به این شرح که در سال ۱۳۲۸ جلسه‌ای در خانه‌ی حاج محمود نریمان، با حضور آیت‌الله کاشانی و اعضای جبهه‌ی ملی تشکیل می‌شود و در آن جلسه، دکتر فاطمی ملی کردن نفت را پیشنهاد می‌دهد و اعضا پیشنهاد وی را قبول می‌کنند.

-باز به سال ۱۳۲۸ رجوع می‌کنیم. در تیرماه این سال، در مجلس پانزدهم، قرارداد نفتی جدید ایران و انگلیس با عنوان گس گلشاییان بر مبنای قرارداد ۱۹۳۳ مطرح می‌شود. مصدق به مجلس پانزدهم راه نیافته است، ولی حسین مکی به دنبال آن است که با به صحنه آوردن مصدق، پشتوانه‌ی مخالفان قرارداد را افزون کند. مصدق پیشنهاد مکی را نمی‌پذیرد، ولی نامه‌ای در این باره به مجلس می‌نویسد. وی در این نامه از اینکه مجلس او را به‌عنوان مشاور در کمیسیون‌ها دعوت نکرده گله نموده و سپس در مورد یکی از اصل‌های قرارداد مبنی بر شیوه‌ی پرداخت شش شیلینگ حق الامتیاز توضیح خواسته است. [۵]

به عبارت بهتر، مصدق در این نامه نه با قرارداد مخالفت کرده و نه از ملی کردن نفت سخنی گفته است. در بهمن‌ماه این سال، مصدق در مجلس شانزدهم پیام آیت‌الله کاشانی را، که پس از بازگشت از تبعید لبنان نگاشته بود، قرائت می‌کند. آیت‌الله در این پیام عنوان می‌دارد که نفت ایران متعلق به ملت ایران است. [۶]

در این سال نیز نام آقایان حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد، مظفر بقایی، حسین مکی، معظمی، امیر تیمور و نیز آیت‌الله کاشانی به‌عنوان مخالفان قرارداد نفتی جدید با انگلیس و نیز ملی کردن نفت (از سوی آیت‌الله کاشانی) ثبت می‌شود، ولی سخنی از مخالفت مصدق با قرارداد نفتی جدید نیست، چه رسد به ملی کردن نفت.

به سال ۱۳۲۷ می‌رویم. در مردادماه این سال، آیت‌الله کاشانی در خطبه‌ی نماز عید فطر، سخن از استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس می‌راند و در بهمن آن سال، علیه شرکت نفت بیانیه‌ای صادر کرده و در آن خواهان لغو امتیاز می‌شود. این بیانیه موجب تبعید آیت‌الله کاشانی به لبنان می‌شود.

باز به عقب برمی‌گردیم، به سال ۱۳۲۶. در این سال، قوام قرارداد نفتی ایران-شوروی را که به قرارداد نفتی قوام-سادچیکف معروف بود، تقدیم مجلس پانزدهم می‌کند. مجلس با هماهنگی قوام، این قرارداد را رد می‌کند و به جای آن، طرحی به سرپرستی دکتر رضازاده شفق تهیه و تصویب می‌شود که می‌توان آن را شروع مبارزه‌ی پارلمانی با استعمار شرکت نفت جنوب دانست. بند «ه» این قرارداد بیان می‌داشت: دولت موظف است درباره‌ی امتیازهای موجود، به خصوص شرکت نفت جنوب، برای احقاق حق ایران، اقدامات لازمه را به عمل آورد و مجلس را از نتیجه‌ی مذاکرات مطلع کند.

در این سال نیز نامی از مصدق در میان نیست. پس مصدق کجا وارد جریان‌ات نفت می‌شود؟

به مجلس چهاردهم و سال ۱۳۲۳ رجوع می‌کنیم. پس از تمایل شرکت‌های آمریکایی به اخذ امتیاز نفتی و مخالفت انگلیس و

شوروی از خارج و نمایندگان توده‌ای از داخل، شوروی تلاش کرد امتیاز نفت شمال ایران را از آن خود کند. مصدق در نطقی در این باره واکنش نشان داد:

دولت اتحاد جماهیر شوروی به نفت احتیاج دارد و دولت ایران هم در عالم مجاورت نباید نفت خود را با دیگران معامله کند. من تصور می‌کنم که در این مجلس چنین پیشنهادی بگذرد؛ یعنی دولت ایران متعهد شود که در مدت معلوم در قرارداد، مازاد نفت معادن شمال را به نرخ متوسط بین‌المللی که در هر سال معین می‌شود به دولت شوروی بفروشد. [۷]

پس مصدق در برابر احتمال واگذاری امتیاز نفت به شرکت‌های آمریکایی واکنشی نشان نمی‌دهد و درباره‌ی احتمال واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی واکنشی محتاطانه، که هر دو سو را ننگ دارد، ارائه می‌دهد. در ادامه، مصدق از طریق یکی از نمایندگان توده‌ای، با جلب رضایت سفیر شوروی، طرحی به مجلس پیشنهاد می‌کند که با تصویب آن، امکان واگذاری امتیاز نفت به دول خارجی از سوی دولت، پس از تصویب طرح ملغی می‌گردد. پس از تصویب این طرح، که به قانون تحریم امتیازات معروف می‌شود و در آن دوره به خیال خام شوروی در اخذ امتیاز نفت شمال ضربه می‌زند، آقای رحیمیان نماینده‌ی قوچان، طرح زیر را به مجلس تقدیم می‌کند:

ماده واحده: مجلس شورای ملی ایران امتیاز نفت جنوب را، که در دوره‌ی استبداد به شرکت داریسی واگذار شده و در موقع دیکتاتوری آن را نیز تمدید و تجدید نموده‌اند، به موجب این قانون الغاء می‌نمایند.

آقای مصدق تا قبل از سال ۱۳۲۹ با ملی کردن نفت مخالف بودند و یا حداکثر با انعقاد قرارداد با شوروی مخالف و طرفدار انعقاد قرارداد با وضع بهتر با غرب بود. پیش از وی نیز ابتدا آقای رحیمیان و آیت‌الله کاشانی و پس از آن، آقایان فاطمی و حائری‌زاده پیشنهاد ملی کردن نفت ایران را داده‌اند.

و از آقای مصدق درخواست یاری می‌کند. ولی دکتر مصدق با این طرح مخالفت کرده و بیان می‌دارد: نمی‌توانیم قرارداد را یک‌طرفه فسخ کنیم. [۸]

پس در سال ۱۳۲۳ نیز آقای مصدق با ملی کردن نفت مخالفت می‌نمایند. پیش از طرح موضوع نفت شمال در مجلس، در خردادماه این سال، آیت‌الله کاشانی توسط نیروهای انگلیسی دستگیر و به اراک اعزام می‌شود. ایشان در اراک به بازجو می‌گوید: اگر زنده ماندم و از زندان آزاد شدم، کاری می‌کنم که این ملت مسلمان یک قطره نفت به انگلیس ندهند. [۹]

تا اینجا مشخص شد آقای مصدق تا قبل از سال ۱۳۲۹ با ملی کردن نفت مخالف بودند و یا حداکثر با انعقاد قرارداد با شوروی مخالف و طرفدار انعقاد قرارداد با وضع بهتر با غرب بود. پیش از وی نیز ابتدا آقای رحیمیان و آیت‌الله کاشانی و پس از آن آقایان فاطمی و حائری‌زاده پیشنهاد ملی کردن نفت ایران را داده‌اند.

انتها

دکتر مصدق اولین فرد در ارائه‌ی پیشنهاد ملی کردن نفت ایران نبود. ایشان حتی سابقه‌ی مخالفت با ملی کردن نفت ایران در سال ۱۳۲۳ و عدم مخالفت با قرارداد گس-گلشائیان را، که موجب ادامه‌ی قرارداد ۱۹۳۳ می‌شد، در کارنامه‌ی خود دارد. دکتر مصدق سوار موجی شد که توسط دیگران راه افتاده بود و البته در مسیر ملی کردن نفت ایران زحمات زیادی نیز متحمل شد، ولی اولین فرد نبود.

به جای ایشان، ما به دو نام برمی‌خوریم: آقای غلامحسین رحیمیان و آیت‌الله کاشانی. با بررسی روند ملی کردن نفت ایران و شروع نمودن تاریخ بررسی از سال ۱۳۲۳ به جای دوره‌ی نخست‌وزیری اول دکتر مصدق، متوجه می‌شویم یک نام پی‌درپی در حال تکرار است و آن نام آیت‌الله کاشانی است. این تکرار، در ادامه‌ی روند تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز رخ می‌دهد و این سؤال برایمان پیش می‌آید: دکتر مصدقی که اولین نفر در ارائه‌ی پیشنهاد ملی کردن نفت ایران نبود، آیا تنها رهبر و یا عالی‌ترین رهبر این روند بود؟(*)

پی نوشت ها

- [۱]. حسینیان، روح‌الله، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، ص ۱۱۸.
- [۲]. مکی، حسین، کتاب سیاه، ج ۱، ص ۷۳.
- [۳]. آیت، سید حسن، چهره‌ی حقیقی مصدق‌السلطنه، ص ۶۱.
- [۴]. مصدق، محمد، خاطرات و تألمات، ص ۱۵۷.
- [۵]. مکی، حسین، کتاب سیاه، ج ۴، ص ۴۲.
- [۶]. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۸۲.
- [۷]. حسینیان، روح‌الله، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، ص ۹۵.
- [۸]. حسینیان، روح‌الله، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، ص ۹۹.
- [۹]. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۴۲.

منبع: برهان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۸۹۵/گفت-سخن-نفت-شدن-چار-از-ملی-اولین-کسی-چه>